

"اختلالات فراگیری" (oppimishäiriöt) دانش آموزان - علل عدم یادگیری بچه ها در مدرسه چیست؟

بسیاری از والدین اتباع خارجه وقتی اطلاع پیدا می کنند که فرزندانشان در فراگیری دروس مدرسه با مشکلاتی مواجهه شده اند، به شدت ناراحت می شوند. برای آنها درک و قبول این موضوع به سادگی امکان پذیر نیست؛ چون از طرفی آموزگاران و کارکنان مدرسه مطالبشان را با اصطلاحات حرفه آموزش و پرورش بیان می کنند، و از طرف دیگر امور پرورشی و انجام کارهای روزمره بچه ها در خانه مطابق معمول پیش می رود. پس مفهوم عبارت "اختلالات فراگیری" چیست؟ منظور از "اختلال در فراگیری" کمبود استعداد و توانایی دانش آموز در یادگیری خواندن، نوشتن و سایر دروس مدرسه است. این مشکلات یادگیری ممکن است ناشی از کمبود قدرت تمرکز، نداشتن دقت کافی یا عدم توانایی استفاده از شرایط و امکانات آموزشی باشد. مشکلات فراگیری دروس ریاضیات و زبان خارجه را جزء دسته ای جداگانه از مشکلات عمومی فراگیری رده بندی می کنند. در رابطه با این موضوع غالباً از عبارت دیگری بنام "اختلال سواد آموزی" (lukihäiriö) نیز استفاده می شود، منظور از این اصطلاح نواقص مادرزاد دانش آموز در یادگیری خواندن و نوشتن است. علاوه بر اینها، کودکی ممکن است دچار مشکلات دیگری نیز باشد؛ از جمله اینکه حس شنوایی و بینایی وی مانند بقیه کودکان کار نکند، واکنشهای حس لامسه او مانند دیگران نباشد یا برایش مشکل باشد که وضعیت محیط اطرافش را درک و شناسایی کرده و یا به تنهایی روی پای خودش راه برود. همچنین محیط جدید زندگی ممکن است که برای کودکانی پریشانی و آشفتگیهایی ایجاد نماید.

این سوال برای بسیاری از والدین پیش می آید که آیا سر چشمه این مشکلات در کجا است. مطالعات و تحقیقاتی که در سالهای اخیر روی مغز صورت گرفته نشان می دهد که بیشترین علل "اختلالات سواد آموزی" مربوط به عملکرد مغز می شود. به عبارت دیگر؛ دلیل "اختلالات سواد آموزی" بعضی از کودکان در این است که آن قسمت از مغز که اختصاص به شنیدن، بیان و درک کلمات را دارد، نمی تواند کارش را به خوبی سایر بچه ها انجام دهد. یک چهارم از تمام مردم دچار یک نوعی از "اختلالات فراگیری" می باشند. نزدیک به 5% از مردم به علت اختلالات موجود در سیستم عملکرد اعصابشان، نمی توانند خواندن را به خوبی فراگیرند. تحقیقات و آزمایشاتی که از دوقلوها انجام شده نشان می دهد که ژنهای موروثی عامل بزرگی در مشکلات سواد آموزی هستند. حتی بعضی اوقات، عوامل ایجاد اختلال سواد آموزی ممکن است قبل از پدید آمدن جنین بوجود آمده باشند. از میان این عوامل می توان ابتلای مادر به بیماری سرخک یا سرخجه، انفلوانزا، اریون؛ یا مسمومیت و عفونت و یا استعمال دخانیات و افراط در استفاده از مشروبات الکلی، توسط هر کدام از والدین را نام برد. در بعضی مواقع صدمات وارده در هنگام زایمان، یا نرسیدن اکسیژن لازم به نوزاد نیز می تواند علتی برای این قبیل اختلالات گردد. همچنین آسیبهای وارده به مغز یا حواس شخص در اثر حوادث مختلف نیز می توانند باعث پدید آوردن مشکلات یادگیری شود. از علتهای دیگر مشکل سواد آموزی می توان نواقص موجود در حس شنوایی و بینایی، مشکلات ناشی از آشفتگیهای روانی و احساسی و حتی هیجان و فشار و "استرسهای" عصبی را نیز نام برد.

خیلی از والدین متعجب می شوند که چرا فرزندانشان باید در تستهای روانشناسی مورد آزمایش و امتحان قرار گیرند. در چنین مواردی بهتر است که هدف و اهمیت این آزمایشات را برای والدین مربوطه دقیقاً توضیح داد. همچنین لازم است که استعدادها و خصوصیات پسندیده بچه ها را نیز، هم برای خود بچه ها، و هم برای والدینشان تشریح نمود. گاهی نتیجه این آزمایشات کافی نبوده و لازم است تا تحقیقات و تستهای بیشتری در محلهای دیگری به انجام برسد. در این صورت، اجرای تحقیقات و آزمایشات بیشتر احتیاج به توافق والدین دانش آموز دارد.

بعضی وقتها در کودکستان یا مهد کودک ملاحظه می شود که در رشد و پرورش کودک نارسائیهائی وجود دارد. یکی از فوائد پی بردن به این نارسائیهائی این است که با وقوف به این امر، می توان بروز مشکلاتی را در امر آموزش این بچه ها در مدرسه پیش بینی نمود. برای رفع مشکلات پیش بینی شده می توان تمرینات و تعلیمات لازم برای تقویت نقاط ضعف کودک را در همان کودکستان شروع کرد و بعداً، در هنگام ورود به مدرسه، در صورت لزوم او را به کلاسی مناسب با هوش و استعداد خودش هدایت نمود. به این ترتیب، می توان این دانش آموز را از خطر آسیب وارده به قدرت اتکاء به نفسش مصون نگاه داشت؛ چون در غیر این صورت، وقتی که این دانش آموز مشاهده می کند که در آموزش دروس مدرسه همانند بقیه شاگردان پیشرفت ندارد، احتمالاً برایش تجربه تلخی خواهد بود که موجب کاهش اعتماد به نفس وی می گردد.

بعضی از والدین، از اینکه در فرزندشان اختلالات فراگیری تشخیص داده شده و او باید در کلاسهای مخصوصی آموزش ببیند، دچار وحشت و نگرانی شدیدی می شوند که مبادا این موضوع موجب عدم موفقیت فرزندشان در زندگانی شود؛ و به همین دلیل با پافشاری زیادی اصرار دارند که او را در کلاسهای معمولی مدرسه، که برای چنین دانش آموزی بسیار سخت و طاقت فرسا است ثبت نام نمایند. بهتر این است که برای رفع نگرانی چنین والدینی به اطلاع آنها رسانید که اختلالات فراگیری مانعی برای تحصیل چنین دانش آموزانی نیست؛ به این معنی که آنها حتی می توانند پس از گذراندن امتحانات نهائی دبیرستان، به اخذ مدرک دیپلم هم نائل شوند. قانوناً، از پائیز سال 2001 میلادی ببعده، در برگزاری امتحانات نهائی به مسأله اختلالات فراگیری توجه شده است. به این شرح که اگر شرکت کننده ای، به دلیل اختلال فراگیری، در جلسه امتحان احتیاج به "شرایط و امکانات مخصوصی" داشته باشد، باید آنها را برای وی فراهم آورد. حتی اگر مشکل شرکت کننده با فراهم آوردن "شرایط و امکانات مخصوص" نیز رفع نشود، به موجب تصویب نامه های مربوطه، هیأت برگزاری امتحانات نهائی آموزش و پرورش می تواند به این شرکت کننده در یک ماده درسی حق استفاده از تک ماده را بدهد: یعنی نمره یک امتحان را به حد نصاب قبولی افزایش دهند. برای کسب شرایط و امکانات مخصوص در جلسه امتحانات نهائی، شرکت کننده باید یک گواهی کتبی دال بر اختلال فراگیری و درجه شدت آن را از یک روانشناس، دبیر دانش آموزان مخصوص یا تراپیست تکلم؛ و یک گواهی کتبی دیگر از یک پزشک متخصص اعصاب کودکان، پزشک متخصص اعصاب یا پزشک متخصص تکلم را اخذ و ارائه دهد. حق استفاده از "شرایط و امکانات مخصوص" به شرکت کنندگانی تعلق می گیرد که درجه اختلال فراگیری آنها از درجه شدید یا متوسط باشد.

در خاتمه باید به تمام والدین اتباع خارجه خاطر نشان نمود که اگر کودکی دچار اختلال فراگیری است، به هیچ وجه به این معنی نیست که او تنبل، شریر و بدذات و یا احمق باشد. در نمودار عملکرد سیستم روانی و اعصاب این افراد، هم نقاط ضعف و هم تواناییهای شگرفی مشاهده شده است. از میان چنین اشخاصی می توان مثلاً آرشیتکت معروف فنلاندی، "آلوار آلتو" (Alvar Aalto) و دانشمند فیزیک، "آلبرت اینشتن" (Albert Einstein) را نام برد. در واقع، به جای اینکه واژه اختلال فراگیری را بکار ببریم، بهتر این است بگوئیم که قدرت فراگیری این افراد به روش خاص خودشان می باشد. بخشی از اختلالات فراگیری، با گذشت زمان و رشد کودک خود به خود رفع می شود. برای اینکه این کودکان دچار مشکلات انزوا نشده و از طرف جامعه طرد نگردند، بهتر است که معالجات و مراقبتهای لازمه را هر چه زودتر شروع کرد.

نگارنده، "سیرگو سویگانن" (Sirku Suikkanen)، برای نوشتن مطالب فوق از مأخذ زیر استفاده نموده است:

<http://wwwedu oulu.fi/sampo/01-02/appro/persoonaneuropsykologia.html>

http://www.terveysportti.fi/terveysportti/ekirjat.Naytaartikkeli?p_artikkeli=Ino00098

<http://info.stakes.fi/NR/rdonlyres/59797251-F06D-42FD-A86B->

[771B8F2276E4/0/Oppiminen_moilanenPLP311202.pdf](http://info.stakes.fi/NR/rdonlyres/59797251-F06D-42FD-A86B-771B8F2276E4/0/Oppiminen_moilanenPLP311202.pdf)

<http://www.hs.fi/henkkoht/artikkeli/Oppimish%C3%A4iri%C3%B6+ei+valkolakin+este/H20040402SI1MP013h7>